

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه - ۱۰۸

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

باضمام متن قوانین

پنج شنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۱۸

شماره مسلسل - ۸۹۷

چاپخانه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۱۸

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور دوم لایحه اصول محاکمات مدنی از ماده ۷۵۹
- ۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه

(مجلس یکشنبه و پنجشنبه در شهر ری است آقای اسفندیاری تشکیک کردند)

صورت مجلس یکشنبه ۱۸ شهریور ماه ری آقای مؤید محمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۳ - شور دوم لایحه اصول محاکمات مدنی از ماده ۷۵۹
رئیس - بقیه شور دوم لایحه اصول محاکمات مدنی از ماده ۷۵۹. ماده ۷۵۹ قرائت میشود:

فصل چهارم - در انقطاع مرور زمان

ماده ۷۵۹ - انقطاع مرور زمان حقیقی است یا قانونی.

رئیس - موافقین قیام نمایند (اکثر قیام کردند) تصویب

شد. ماده ۷۶۰:

ماده ۷۶۰ - انقطاع حقیقی در صورتی است که ملک از تصرف متصرف در مدتی که از یکسال کمتر باشد اعم از اینکه مالک اصلی از بلد و خارج کرده یا دیگری ولی او را تصرف در ظرف یکسال ملک را استرداد کرد یا اقامه دعوی تصرف تدوینی نمود و حکم در نفع او ولو در ظرف بیش از یکسال صادر شود مدت مرور زمان قطع نخواهد شد.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده ۷۶۱:

ماده ۷۶۱ - انقطاع قانونی در موارد زیر است:

۱ - هرگاه کسیکه مرور زمان بر علیه او جریان دارد

عین مذاکرات مشروح یکصد و هشتمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

مذاکرات مشروح روز پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۱۸

غائبین با اجازه - آقایان: فرشی - جهانبختی - امیر ابراهیمی - نصیری - قندوسی - آقاجار - میرزا علی - محمد نظامی - زهری - محمد تقی اسفندیاری - مؤید قوامی - اورنگ - هدایت - بهمنی - دکتر شاهری - سستانی - ایزدئی - غائبین بی اجازه - آقایان: منصف - ابوالقاسم - محمد اسلامی - حبیبی - توایت - دکتر شیبانی - شهبازی - امیر - مؤید تهرانی - محیط - شجاع - حاج ملک - دبستانی - عاری - نواب یزدی - خلیل حریری - در آمدگان بی اجازه - آقایان: بوداغبان - کریمی - اعظم زنگنه - قراقران

بواسطه دادخواست یا اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه نماید.

۲ - در صورتیکه متدبون در دادگاه یا در سندیکه باعضاء او است اقرار بدین نماید یا متصرف در دادگاه یا سندیکه باعضاء او است بمالکیت صاحب ملک اقرار کند.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۶۲ خوانده میشود:

ماده ۷۶۲ - در موارد زیر انقطاع مرور زمان بی اثر است:

۱ - در صورتیکه دادخواست بواسطه نداشتن شرایط قانونی یا بجهت دیگری باطل یا مردود شود.

۲ - در صورتیکه مدعی دعوی خود را استرداد کند.

۳ - در صورتیکه دعوی مدعی بجهت از جهات قانونی مردود یا ساقط شود.

۴ - در صورتیکه درخواست بازگشایی غیر صالح داده شده و تاسه ماه پس از ایلان قرار قطعی عدم صلاحیت در دادگاه صالح دعوی اقامه نشود.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۷۶۳:

ماده ۷۶۳ - اگر متصرف بعد از تصرف سابق خود را ثابت کند تصرف او معتبر محسوب است مگر اینکه انقطاع تصرف در او ثابت شود.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۶۴:

ماده ۷۶۴ - در صورتیکه مرور زمان قطع شود مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع در مورد مرور زمان بیست ساله سه سال و در مرور زمان ده ساله دوسال و در مرور زمان سه ساله یکسال و در مرور زمان یکساله ششماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود ولی در هر صورت مدت مرور زمان پس از قطع زائد از مدت مرور زمان معین برای هر يك از نوع دعوی نمیشود.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۶۵:

ماده ۷۶۵ - مرور زمان پیش از بکشدن منقطع نمیگردد.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۷۶۶:

فصل پنجم - در اسقاط مرور زمان

ماده ۷۶۶ - حق مرور زمان را پس از استقرار آن بواسطه گذشتن مدت مرور زمان میتوان اسقاط نمود و قبل از انقضاء مدت قابل اسقاط نیست.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۶۷:

ماده ۷۶۷ - متولی و ولی و قیم مجبور نمیتوانند مرور زمانی را که نسبت به مجبور یا وقفه حاصل شده ساقط نمایند.

رئیس - موافقین با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۶۸:

ماده ۷۶۸ - کسی که متوجه از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند.

رئیس - موافقین برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۷۶۹:

ماده ۷۶۹ - اسقاط حق مرور زمان نسبت به کسی که حق مرور زمان ساقط کرده و قائم مقام او مؤثر است و نسبت به کسانی که در وقت سناکار رضامندی که از مرور زمان استفاده میکنند مؤثر نیست.

رئیس - موافقین با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷۷۰:

باب دوازدهم - در دادرسی فوری

ماده ۷۷۰ - در اموریکه محتاج به تعیین تکلیف فوری است و همچنین در مورد اشکالاتی که در جریان اجراء احکام یا اسناد لازم الاجراء اداره ثبت پیش می آید و محتاج بدستور فوری است دادرسی دادگاه میتواند بدرخواست ذی نفع موافق مواد زیر دستور موقت صادر نماید.

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - يك مرتبه از مزایاتی که این قانون اصول عا کمات فعلی که در مجلس مطرح است بر سایر قوانین حقوقی که در این مدت سی سال طرح و مورد عمل و اجرا

بوده دارند این باب دادرسی فوری است که این قسمت در هیچك از قوانین و اصلاحاتی که در این مدت شده است وجود نداشته است و میتوان گفت که تنظیم این باب یکی از شاهکارهای مهم آقای وزیر داد گسترسی است که در نتیجه تحمل و مطالبات علمی و فنی داخل در این زنجیره شده است پس از ذکر این عرایض بنده لازم دانستم از نقطه نظر تکمیل این قانون آقای وزیر داد گسترسی موافقت فرمایند همانطور که در تمام قسمتهای این قانون در دادگاههای بخش دادگاههای نخستین و دادگاههای پژوهشی و فراجای نوع و موضوعاتی که در آنجا تحت رسیدگی میروند بیان شده در این قسمت هم نوع دعوی که مربوط به دادرسی فوری است ذکر شود مثلاً در دادگاههای بخش با تعدید صلاحیت و تعیین حد اصحاب نوع دعوی بیان شده که دادگاه بخش در این قبیل دعوی حق رسیدگی ندارد همچنین در دادگاه نخستین و با اینکه دادگاه استان دادگاه تجدید نظر است حکم دادگاههای نخستین ندارد و عدالت نوع قرار همان نوع احکام ذکر شده دادگاه استان در این قرارها حق تجدید نظر ندارد در این احکام حق تجدید نظر دارد با این قبیل احکام حق تجدید نظر درش نیست با این قبیل قرارها بدون حکم قابل رسیدگی پژوهشی نیست ولی در این قسمت باید بیان نوع است حال از نقطه نظر اهمیت دادرسی فوری که با مقتضیات کشور فوق العاده مناسبت دارد مقتضی است که نوع این دعوی در ذیل این ماده ذکر شود و پیشنهادی هم بنده تهیه کرده ام که ماده ۷۷۰ که در کمیسیون گذشته است و الاق فرانت شد بشرحی که بنده تهیه کرده ام اگر موافقت فرمایند باین طریق نوع دعوی ذکر شود:

ماده ۷۷۰ - اموری که محتاج به تعیین تکلیف و دستور فوری است از قبیل موارد زیر و امثال آنها داد رس باید بدرخواست ذی نفع موافق مواد زیر رسیدگی کرده و دستور موقت صادر نماید

الف - موردی که زندانی حقوقی درخواست استخلاص نماید

ب - در مورد اختلافات بین مالک و مستأجر یا مالک و معمار که محتاج به جوع به جریه است همیطور تقسیم دوازده که در این پیشنهاد ذکر شده است. آنوقت بنده پیشنهاد کرده ام که يك تبصره هم بر این ماده اضافه شود و آن تبصره این است: در امور فوری چون صلاحیت قانونی مورد نظر نیست سفیه با عمل المشاعر یا غیر رشید میشوند مدعی یا مدعی علیه واقع گردند. اگر آقای وزیر داد گسترسی با آن قسمت نوع دعوی که بنده عرض کرده ام موافقت فرمایند آنگاه باین ماده منقح شود بموقع است زیرا بنده این قسمت را از کتابچه خود آقای وزیر داد گسترسی تنظیم کرده ام و بطبع رسیده است استخراج کرده ام از بیانات خود نشان است از جای دیگر بنا بریده ام تبصره را هم که اضافه کرده ام بیانات خود را نشان است از جای دیگر بنا بریده ام البته نظری داشته ام باین قسمت این است: آیا که آن را در این کتابچه ضمیمه رسیده در دستور عموم گذارده اند بنده نمیتوانم مطمئن باشم که در این ماده موقع اجرا و عمل این قوانین این کتابچه را همیشه در جلو چشم خود داشته قرار بنده اندک این نظریات را بنده دانستم ابتدا این پیشنهاد را بیکر بنده به آقای وزیر داد گسترسی که موافقت فرمایند در بیان نوع دعوی و موافقت فرمایند در صلاحیت و هیچ همچو عرضی بنده نمیکردم - حالا اگر خودشان مضامین هستند که این کتابچه حتما باید مورد نظر دادرسان باشند بنده عرض می نمایم و پیشنهاد خودم را پس میگیرم وزیر در این کتابچه آنچه نوشته شده است پیش از آن است که بنده پیشنهاد می کنم با نوع دعوی را بنده بیان کنم خودشان خیلی توضیح دادند مفصل هم نوشته اند اگر تکی این است مدلول کتابچه را ضمیمه این ماده بکنند که قضایا باید در موارد فوری طبق آن کتابچه که وزارت داد گسترسی منتشر کرده عمل کنند اگر اینطور بکنند بنده تمام عرایض را پس میگیرم ولی چو نمیشود تمام این قسمت ضمیمه میشود وجود این قانون هم از نقطه نظر اهمیت قضایای فوری حق داده است وزیر داد گسترسی که چون هر دادرسی نمیتواند تشخیص بدهد موارد فوری را

لذا تعیین آن دادرسی که میتواند بصرف اظهار طرف مقابل تشخیص بدهد که این فوریت دارد یا ندارد و فوریتش تا چه اندازه است بانتخاب خود آقای وزیر دادگستری قرار داده که هر کس را میان دادرسی ها انتخاب کند برای آن عملیات او باید دادرسی امور فوری باشد این قضیه ثابت میکند که هر دادرسی نمیتواند تشخیص فوریت را بدهد و در امور فوری تضاروت و دادرسی کند این بود عرایض بنده بقیه با خود آقای وزیر دادگستری است.

وزیر دادگستری - مذاکرانی که در اطراف دادرسی فوری شد بموقع نبود زیرا همانطور که تذکر دادند این يك بابی است که در این قانون باز نمانده است و چون سابقه تداومت مناسب نبود که همبطور سکوت از مجلس بگذرد و صحبتهای آقای او حتی بحالی بمن میدهد که مختصری تصور کلی بعرض رسانم در این موضوع دادرسی فوری و حکمت و فلسفه و مصادیقش را تا اندازه ای به آقایان عرض کنم که متوجه شوند که این باب اهمیت دارد؛ ملاحظه مینمائید که این کتاب محمول محاکمات که آئین دادرسی مدنی شد تمام قوودات در باب صلاحیت در باب ترتیب دادن در بحال و احتیاط طرف و رسیدگی پژوهش و فرجامی که بالا میرود بر پائین میآید يك دعوائی مکرر میشود این يك تشریفات است که در تمام دنیا معمول شده است برای اسحاکم حقوق و دعوائی مردم ولی قهراً باعث تعویق کارها میشود و شکایات هائی که نوعاً از گردش و جریان دادگستری های دنیا میشود از همین لحاظ است و چاره هم نیست باید همه جور هم باشد برای اینکه يك حقوقی که باید رسیدگی شود طوری باید باشد که حد اکثر احتیاط برای مردم باشد ولی در زندگی اجتماعی مردم يك مواردی هست يك احتیاجات و ابتلائات فوری است که باید حتماً يك فکر دیگری درش کرد که اگر آنها را تابع تشریفات بکنند اصلاً منتفی میشود یعنی وقتی دادرسی دادگستری میکند آنچه نباید بشود شده است اینست که فکر کردیم که بعد از این تجربیات زیاد برای این جور موارد پیش پیش بکنیم سابقه هم در بعضی از قوانین خارجی دارد که برای موارد فوری يك موادی پیش بینی کرده در

آئین دادرسی شان وقتی که بنا شد این مواد را تنظیم کنیم خیلی البته احتیاط لازم داشت برای اینکه يك بابی که باز میکنیم جلو این ابواب يك باب استثنائی طوری نشود که اضمه باصول کلی و ارکان آئین دادرسی وارد بشود خیلی مهارت لازم داشت تنظیم این مواد این قید ماده کوتاه که هر قدر ماسعی کنیم که این مواد را صریح بنویسیم باز هم محتاج میشود يك توضیحات خارجی که ما اینک برای این قوانین يك توضیحات خارجی هم لازم است و هیچکدام از این قوانین را دادرسی ها بدون کمک در منبع مهم که برای این قوانین لازم است نمیتواند اجرا کند دو منبع مهم است برای تعاد قوانین که بدون کمک آن دو منبع نمیتواند قوانین را اجرا کرد اگر بنا بود که با کتاب قانون هر قاضی و دادرسی قانون یاد میگرفت و تضاروت را بلد میشد که این دانشکده های حقوق و این کتب مفصل حقوقی که نوشته اند همه زیادی میشود. راجع باین مواد هم اینطور است. آن دو منبع چیست یکی عقیده علما و نویسندگان و شرح است که شرح قوانین را روی اصول کلی که در دست آنها است مینویسند یکی هم رویه هائی است که دادرسی ها در ضمن عمل و در نتیجه تجربیاتی که پیش می آید اظهار میدارند و معمول میشود و آن رویه ها سر مشق قضات دیگر میشود بخصوص رویه عالی ترین دادگاه که دیوان کشور باشد سر مشق است برای دادگاه های پائین تر زیرا دادرسی های دیوان کشور تجربه و سابقه شان در کارهای قضائی بیشتر از سایرین است. این جا تذکرانی که دادند و استناد بر رساله بنده کردند البته رساله ای که بنده راجع به محاکمات فوری نوشته ام يك رساله خصوصی و يك تالیفی است که مربوط بشخص بنده است استخراجاتی است که از قوانین کرده ام و نظائر این قبیل رساله هم زیاد نوشته شده و بعقیده بنده بایستی در تمام این آئین دادرسی از این قبیل رسایل توشیح که این مواد را همه بفهمند بعقیده بنده ما هر قدر که مواد قوانین را واضح بنویسیم طوری نیست که بشود عموم بفهمند خواص ممکن است بفهمند ولی عموم ممکن نیست اما این مواردی را که ذکر کردند و خودشان فرمودند که از رساله بنده استخراج شده

این موارد البته تصدیق می کنیم که از مواردی است که از مصادیق آئین دادرسی فوری است ولی ذکر و تصریحش در قانون نوعی است یکی اینکه تصدیق کردن برین موارد ممکن است سایر مواردی که پیش می آید ممکن نشود زیرا که بنده در رساله خودم مواردی را بعنوان نمونه ذکر کرده ام و موارد دیگری هم در آن ذکر کرده ام و بایستی موارد دیگری را در رساله های دیگری وقتی که پیش می آید توشیح این مواردی هم که احتیاط کرده است البته همه مشمول موارد کلی است و آن ضابطه کلی که در ماده ۷۷ ذکر شده است جامع و گامش است برای اینکه همیشه کلی فوری در بانکاری بشود و برای اینکه تشریفات از بین برود و بشود بکنفر مدعی علیه را از طرف يك طرف و بعد از مدت در دادگاه دعوت کرد بدون تشریفات معمولی. این چیزها هم که اینجا هست و آن است که کار عموری فوری باشد که تعدد رسیدگی فوری و آن باعث از بین رفتن حقوق میشود ولی نظر دادرسی است دادرسی بر وقتی که تشخیص داد که این کاری که با وجود میشود طوری فوری است که اگر روی تشریفات عادی برود يك حقی فوت میشود آن تشریفات فوری اعمال خواهند شد و توفیق فوری هم خواهد شد و ضروری هم بحالی تشریح زیرا مضایق ماده ۷۷ حکم باصلاح قضائی صادر نمیشود و دستور موقت صادر نمیشود یعنی يك دستور دادگاه میدهد که دستور موقت اجراش هم میکند که بعد اگر بقریب معمولی و تشریفات دیگری که در سایر ابواب این قانون پیش بینی شده است رسیدگی شد و معلوم شد که این ماده بجهة اجرا شده است دستور مطلق الامر میشود و طوری هم نخواهد شد. قاضی وقتی تشخیص داد که مورد از موارد فوری و موقت است و آن تشریفات فوری را اجباب میکند دستور موقت صادر میکند و ضروری و زبالی هم بجائی نخواهد خورد و همیشه قابل جبران خواهد بود و بخصوص همانطور هم که خودشان تذکر دادند ما این اختیار را و این تشخیص را بهمه دادرسی ها واگذار نمیکنیم قضات محرم

خیلی سریع انتقالی لازم دارد که بشود این اختیارات را بهشان بسیار. بنابراین دیگر جلی نگرانی نیست بجهت قالب کلی که در ماده ۷۷ و بخته شده تمام موارد را میشود در این قالب کلی رعایت (در همین ماده ۷۷) تمام موارد فوری را میشود داخل این قالب کرد و پس از آنکه وارد در قوانین شده است. البته قضات دانستند بجهت بکار کرده در این کشور هستند که آنها پیشوند تشریفات این ضابطه و قالب کلی مصادیقی را پیدا کنند تا باین مصادیقی باشد که ما امروز پیش از آنکه در وقت تشریفات آنها در ضمن پیدا کنند و بطن بنده ترجیح دارم که این ماده بجهت حل کلی بجهت تعدد قضات خودش باقی بماند و اولاً يك تشریحی

رأییس - آقای اوجلی

اوجلی - پیشنهادی که آقای وزیر دادگستری فرمودند بسبب پیشنهاد خودم پس میکنم ولی این نکته را تذکر میدهم که تشریفات تشریحی باید از آقای وزیر دادگستری تشریح جواب دادگستری است آنچه بقتضای صلاحیت بود. ماده دولست در پیشنهاد کرده بود یکی يك نوع که فرمودند که اگر این نوع را فرموده است حکمی است که تشریح داشته باشد پس باید باشد و موافق است و آن پیشنهاد را پس میکنم ولی مسئله صلاحیت تصدیق ندارد زیرا در قانونی فوری بگذاشت آب و گل را هر دو میدهد در تشریح به تشریح استاده است و مالک در اینجا نیست و آنچه که رعایت برود مالک مدعی خبر میدهد که آقا بسیار و بدعاوری فوری تشریفات کن چند ساعت طول میکشد آنوقت در این چند ساعت تشریح چیست این قضیه فوری است رعایت میاید میگوید آقا آب من را این شخص هرز داده است یا اینکه بچه باز کرده ساله است. ماده است آب را هر دو داد است آنوقت داد رس میکنم که این بچه تیر بالغ و م تو هم رعایت تشریح صلاحیت داری و نه او صلاحیت دارد این قبیل موارد فراوان است چه در بیابان و چه در شهر این است که بنده عرض کردم این قسمت ما را موافقت بفرمائید تشریح

شود همانطور که خودشان هم در آن کتابچه بیان کرده اند و اینکه فرمودند آن کتابچه من رسمی نیست الحمد لله کتابچه شان صورت رسمیت بخود گرفته الان باب داد رسمی فوری از کجا آمده است از توی کتابچه بیرون آمده است بنده دیگر غیر از این عرض ندارم.

وزیر دادگستری - این قسمت از پیشنهاد ایشان را هم بلا جواب نگذاشته بودم آن قسمت از توضیحاتی که داده بودم جواب این قسمت پیشنهاد ایشان است، عرض کردم که ضابطه فوریت کار است و این که وقتی که فوریت بیش آمد تا درس مطابق مقرراتی که در این باب ذکر شده است در تشریفات معمولی در مقررات معمولی در حقوق صرف نظر و ملاحظه میکند در مقررات کلی که برای دادرس غسانی مقدر شده است تاچنان در این باب باید درش ملاحظه شود و یکی از این مقررات راجع به صلاحیت اشخاص است که آیا این کسی که می آید این ادعا میکند یا وکالت دارد بالغ است اگر کار اینقدر فوری شد که باید فوری رسیدگی کرد و بقانون فوری است که حتی راجع به صلاحیت رسیدگی هم باید تفتت شود آنها تابع مقررات کلی است بجز این بنده چیزی بلا جواب نگذاشته حتی در آن قوانین خارجی که موارد فوریت را ذکر کرده اند آنها باین تفصیل نوشته اند بنا بر این این قبیل موارد بسته بذکاءت و هوش و قرائت و فقه استنباط دادرسهایی است که صلاحیت دارند و رسیدگی این مورد فوری بآنها امکان پذیر شده است

رئیس - موافقین با ماده ۷۷۰ قیام فرمایند (غالب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۷۷۱

ماده ۷۷۱ - اگر اجل دعوی در دادگاهی مطرح است مرجع درخواست دستور موقت همان دادگاه است خواه آن دادگاه مرحله نخستین یا پژوهش باشد و در مورد اشکالاتی که در جریان اجرا احکام پیش می آید مرجع درخواست نامبرده دادگاهی است که حکم بتوسط آن دادگاه اجرا میشود و در سایر موارد مرجع درخواست دادگاهی است

که صلاحیت رسیدگی باطل دعوی را دارد رئیس - آقای مخبر

مخبر - عرض میکنم توضیحات کافی که آقای وزیر دادگستری بیان فرمودند و مخصوصاً آن رساله که چندین قبل در مجموعه حقوقی انتشار پیدا کرده و بعداً هم بطور علنی در همه کس را بی نیاز میکند که باز در اطراف مقررات موارد فوری بیان کند ولی یکی دو نکته است که بنده خواهم از لحاظ بیان موارد فوری عرض برسانم و آن این است که در یکی از توضیحات آقای وزیر دادگستری که در یکی از رساله هست که قضائی که دادرسی فوری میکند مانند اشخاصی حادثی هستند که مریض در حال ابتلا بخرد و مرجع شدید تا بناهنگد میشود بآنها برای اینکه مریض را از این حال التهاب و وجع خلاص کنند یک دوائی مسکنی باو میدهد که این دوا تخفیفی در درد او میدهد و بعداً یک مطالعه میکنند روی مرض اصلی و یک مطالعه اساسی میکنند و حقیقتاً در امرین اجتماعی که باید با یکدیگر تعارضاتی که اشخاص باهم پیدا میکنند تعارضاتی که در حقوق اشخاص میشود یک نکته کاملاً قابل توجهی است زیرا اگر دادرس فوری بین اختلاف کوچک بین زن و شوهر پیش درویشی بی و پسر که بایک حال عصبی و التهابی باو برخورد می آورند و آنها را نظم و تفریح می کنند و رسیدگی نکنند گناه دست بک جنایات مهمی رخ دهد و یک حوادث مهمی اتفاق افتد آن حسن انتقام باعث شود که یک جنایات غیر قابل تصویری واقع شود البته قاضی دادرس فوری هم بلافاصله یک مسکنی یک دوائی مسکنی ایجاد میکند باین و از آن خانه بیرون می کند یا از آنجا جدا می کند یا اجازه ورود نمیدهد بالآخره یک دستوری میدهد که نباید ناشی خاطر است تا بعد رسیدگی کند این قسمت در موارد بعد روشن و کلاماً رعایت شده است مخصوصاً در ماده ۷۷۳ یک کنترل خیلی مهمی در این قبیل امور شده است که می فرسند دادگاههایی مذکور در دو ماده قبل در صورتی با مورد فوری مطابق مقررات این باب رسیدگی میکنند

که برای رسیدگی با مورد مزبور اجازه مخصوصی از وزارت دادگستری داشته باشند یعنی وزارت دادگستری نتوانسته است گفته باشد که تمام قضاة و تمام مراجع دعائوی حق داشته باشند در هر جائی و هر حرفی که بهشان مراجعه میشود بگویند این فوری است و قضاوت کنند بلکه با تمام اضلاع قضائی که دارند و با سمع رسینی که دارند یک ذنبله جنابت هم باید وزارت دادگستری بآنها بدهد که فلان قاضی که با هوش و ذکاوت است و تجربه کرده است باو اجازه میدهد که در این موارد بخصوص باین قبیل امور فوری رسیدگی نماید زیرا آن کسانی که در این قبیل امور دخالت می کنند باید یک اشخاص مدنی باشند که یک فوری از اشخاص دور باشند علاوه بر موارد دیگر ذکر شده است که این دستورات دستورات موقتی است که در ظرف دو روز قابل اعتراض است و بعد کسی که نقطه قضائی دستور موقت کرده است می تواند در ظرف دو روز در محال و دادخواست خودش را تکمیل و تقدیم نماید بنابراین آن اشکالاتی که مورد توجه آقای اوحدی بود رفع شده و تمام در این جا پیش رفتی و حل شده است و حقیقتاً این قسمت خیلی ماهرانه تهیه و تنظیم گردیده است و حتی تکراری ندارد (صحیح است) عرض دیگر هم این است که در این ماده که قرائت شد آن کلمه (مرحله) زائد است و بهمین صورت دادگاه نخستین و پژوهش اصلاح میشود

مؤید احمدی - اصلاح شد رئیس - رأی میکنم بماده ۷۷۱ با این اصلاح آقایان موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد آقای وزیر دارائی فرمایشی داشتید؟

۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر دارائی | وزیر دارائی (آقای بدر) - دو فقره لایحه است که از طرف دولت تقدیم میشود برای یک وامی که شهرداری تهران برای بعضی احتیاجات اساسی خودش لازم دارد یکی برای بسط و توسعه کارخانه برق تهران یکی هم برای تهیه گورستان جدیدی که لازم است تهیه گردد و البته همه آنها پیش پستی شده است که در مدت معینی باید استعلامات

گردید و از خود در آمدش داده میشود ولی چون وام است و باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد از این جهت این دو لایحه تهیه و تقدیم گردید رئیس - تکمیل اول ارجاع میشود | ۴ - بقیه شور لایحه اصول محاکمات مدنی و تصویب مواد ۷۷۲ تا ۷۸۹

رئیس - ماده ۷۷۲ خوانند میشود: ماده ۷۷۳ - هرگاه موضوع درخواست دستور موقت در مقرراتی غیر از دادگاههای مذکور در ماده ۷۷۱ باشد ممکن است درخواست از دادگاهی که موضوع درخواست میشود موقت در مقررات دادگاه است بعمل آید اگر چه آن دادگاه صلاحیت رسیدگی حاصل دعوی نداشته باشد رئیس - موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۷۷۳ خوانند میشود

ماده ۷۷۴ - درخواست دستور موقت در صورتی با مورد فوری مطابق مقررات این باب رسیدگی میکنند که برای رسیدگی با مورد مورد اجازه تصویب از وزارت دادگستری داشته باشند رئیس - موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۷۷۴

ماده ۷۷۵ - درخواست دستور موقت در صورتی که در این ماده و در شش ماه بعد از تصویب این قانون باقضیه درخواست کنند باید و ...

رئیس - موافقین قیام فرمایند (غالب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۷۷۵

ماده ۷۷۵ - دادرس دادگاه روز و ساعت معین را برای رسیدگی با مورد فوری تعیین نموده و در مواردی که فوریت کار مقتضی باشد ممکن است در غیر آنوقت و محل در ایوان تعطیل و در غیر دادگاه مذکور رسیدگی شود

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۷۷۶

ماده ۷۷۶ - برای رسیدگی با درخواست دادگاه طرف را اجتناب از تعارض و در صورتی که اختلاف طرف با فوریات باشد

دادند و میتوان بدین احصاء طرف دستور موقت تصویب نمود.

رئیس - موافقین قیام نمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد . ۷۷۷

ماده ۷۷۷ - تشخیص لغوی بودن موضوع درخواست بازادگاه است که برای رسیدگی بدو خواست صالح است

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۷۸

ماده ۷۷۸ - دستور موقت منکن است و این موقت باطل یا انجام عمل تابع آن نمی باشد.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند) تصویب شد . ماده ۷۷۹

ماده ۷۷۹ - دستور موقت به جهت لغوی بودن اصل دعوی منسوخ است.

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۰

ماده ۷۸۰ - وقت پس از صدور دستور موقت در صورتیکه قبلاً تقاضای دعوی شده است در صورت گذاردن آن در طرف

دو روز تا رعایت مدت مسافت از تاریخ صدور دستور بازادگاه صالح برای اثبات دعوی خود تقاضای نماید و تصدیق آن دادگاه را تا تاریخ تقاضا بدو خواست بدهد که

که دستور موقت داده است در مدت مسافت و از تاریخ تقاضا بدو خواست در رعایت مدت مسافت بدهد و الا دادوسی

که دستور موقت داده است بدو خواست طرف از دستور موقت رفع اثر نخواهد کرد.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام کردند) تصویب شد . ماده ۷۸۱

ماده ۷۸۱ - دادگاه می تواند برای جبران خسارت احتمالی که از دستور موقت حاصل میشود از مدعی نامی

بخواهد و در اینصورت دستور موقت منوط بدادن تأمین است

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۲

ماده ۷۸۲ - دستور موقت پس از ابلاغ قابل اجراء است و نظر به صورت کار دادگاه می تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ دستور موقت اجراء نشود.

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۳

ماده ۷۸۳ - در صورتیکه طرف نامی بدهد که متاسب با موضوع دستور موقت باشد دادرس از دستور موقت رفع اثر می نماید

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۴

ماده ۷۸۴ - در گاه چنانچه که موجب دستور موقت شده است بر رفع شود دادرس دادگاه که دستور داده است دستور را لغو می نماید و اگر اصل دعوی در دادگاه مطرح نشود همان دادگاه دستور را لغو خواهد نمود .

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۵

ماده ۷۸۵ - در صورتیکه مطابق ماده ۷۸۰ اقامه دعوی نشود دستور موقت لغوی مدعی بر حق شود در خواست

دادگاه جبران خسارتی که برای اجراء دستور موقت طرف وارده شده و تأمین خسارتی که طرف برای دادن تأمین و نقد و بپردازد جهت جلوگیری از اجراء دستور موقت منحل شود و عکس خواهد شد.

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۶

ماده ۷۸۶ - دستور موقت قابل اعتراض نیست لیکن اگر از دادگاه در حله نخستین صادر شده باشد در مدت متعین بران سایر قرارها قابل پژوهش است

مخیر - گاه مرحله در سطح اول زانداست باید حذف شود

رئیس - موافقین با اصلاحی که شد برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۷

ماده ۷۸۷ - دستور موقت در هیچ صورت قابل فرجام نیست

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۸

ماده ۷۸۸ - قرائت میشود

ماده ۷۸۸ - قرائت میشود

ماده ۷۸۸ - قرائت میشود

ماده ۷۸۸ - قرائت میشود

ماده ۷۸۸ - دستور موقت اگر از دادگاهی که رسیدگی باصل دعوی می نماید درخواست شود هزینه ندارد و در غیر اینصورت هزینه آن مبلغی است که برای دعوی غیر مالی مقرر است (ماده ۲۸۴) و هزینه در موقع درخواست باید تأدیه شود

رئیس - موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده ۷۸۹

ماده ۷۸۹ - قوانین زیر منسوخ است

۱ - اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۹ (با استثناء باب ششم)

۲ - قانون تأسیس ضلع نواحی و اصلاح بعضی از اصول محاکمات مصوب سوم سنبله ۱۳۰۱

۳ - قانون تقسیم عاقله ابتدائی بدو بخش مختلفه و تشکیل صدیقیه های باصلاحیت نا محدود مصوب سوم جوزای ۱۳۰۲

۴ - دو قانون راجع بانقضات در اصول محاکمات حقوقی مصوب ۲۳ جوزای ۱۳۰۳

۵ - اصول محاکمات اصلاح شده بموجب ماده ۱۰۰ و ۱۰۱

۷ - قانون مرور زمان اموال غیر منقول (ماده ۳ و ۴ و ۵ قانون است عمومی املاک مصوب ۲۰ بهمن ۱۳۰۶)

۷ - ماده ۶۶ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۷ اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷

۸ - قانون راجع بقرار حکمیت بین معتادین و شرط استماع شهادت شهوده مصوب تیر ماه ۱۳۰۷

۹ - قانون مرور زمان اموال منقول مصوب تیر ماه ۱۳۰۸

۱۰ - قانون اجازه اخذ تأمین خسارت و مجاز محاکمات اتباع خارجه مصوب شهریور و مهر ۱۳۰۸

۱۱ - قانون تأمین مدعی به مصوب اسفند ماه ۱۳۰۸

۱۲ - فصل اول قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳

۱۳ - مواد ۱ تا ۱۷ و مواد ۱۸ تا ۴۵ و مواد ۶۳ تا ۷۲ از قانون تسریع محاکمات

۱۴ - اصلاح ماده ۴ قانون مرور زمان مصوب بهمن ماه ۱۳۱۳

۱۵ - قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ و بهمن ماه ۱۳۱۳

۱۶ - هر يك از مقررات دیگری که مخالف با این قانون باشد در آن فسخی که مخالف است

رئیس - آقای طباطبائی

محمد طباطبائی - عرض کنم که البته آقایان توجه فرمودند قانون اصول محاکمات جدید با آئین دادرسی با

آن ماده فسخه پیدا میکند و فقط مذاکره در کلیاتش میماند برای جلسه بعد و بنده هم عرضی در کلیاتش داشتم که میماند حالا فقط راجع به ماده ۷۸۹ مقداری از آن عرض را عرض میکنم

منظور بنده باینجه جدید است و محاکمات همین قانونی است که در این دوره گذشته و این ماده آخر آن است و یکی از یادگارهای بسیار مهم دوره یازدهم بشمار میرود عرض کنم که این جا در این ماده اخیر نوشته اند قوانین زیر منسوخ است و بعبقده بنده اگر فقط اکتفا میکردند به کلمه سایر قوانین کافی بود برای اینکه بعد از این باینه قضات کشور روی این قانون است که حالا گذشته است و اگر يك ماده مخداری منسوخ شده است سایر قوانین منسوخ است بنظر بنده جامع تر بود و برای قضات و دادرسی ها هم خیال منکم سهل تر بود و برای رسیدگی بامور قضائی مناسبتر مخصوصاً در آن قسمت اخیر که نوشته اند هر يك از مقررات دیگری که مخالف با این قانون باشد در آن فسخی که مخالف است این هم بنظر بنده برای قضات خالصی از اشکال نیست برای اینکه اتصالاً باید برای هر موضوعی در زحمت باشد و تشخیص آن خیلی مشکل است و خیال میکنم مواردی که منسوخ شده خیلی کم باشد و همان طور که عرض کردیم اگر يك نظم نوشته می شد که سایر قوانین راجع باصول محاکمات حقوقی منسوخ است و دیگر شرحی داده نمی شد بنظر بنده جامع تر و بهتر بود

مخیر - اصول هر قانونی معتبر است تا وقتی که قانون بعدی فسخ و الغاء آنرا اعلام نماید و اصولاً مدار عمل هم بر این بوده است که در يك قانونی که قائم مقام و جایگزین قانون دیگری میشود تصریح میشود که فلان قانون ملغی است باین جهت هم در این جا فسخ شده و رعایت اصول قانون گذاری گردید و

اگر موردی هم باشد که از نظر افتاده باشد و فراموش شده باشد با طریقی که در شق ۱۶ ذکر شد نظر آقای طباطبائی تأمین گردیده است.

رئیس - موافقت ناماده ۷۸۹ بر نخبیند (اکثر برخاستند) تصویب شد. چون آقای وزیر دادگستری تقاضا کرده اند که رأی آخر تصویب تمام این لایحه بماند برای جلسه آینده بنا

برین مذاکره در کلیات آخر این لایحه می ماند برای جلسه بعد (صحیح است)

۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
رئیس - اکثر موافقت میفرماید جلسه را ختم کنیم. جلسه آینده روز یکشنبه ۲۳ شهریور ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح و مطالب موجوده (صحیح است) |
مجلس یک ربع ساعت بظنهر مانده ختم شد |
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری